

واکاوی سیر تحول تاریخی روایات نماز زنان مبتنی بر تحلیل متن و اسناد

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۱۹

معصومه ربیعان^۱

چکیده

روایات زنان در دوران تکوین و تشریح فقه، روندی قهقراپی را پیموده است. این روند از نیمه قرن اول هجری با آزادی عمل زنان آغاز گردیده، ولی در طی قرون بعدی، به تدریج روند سخت‌گیرانه‌ای را برای حضور زنان پیموده است. حضور زنان در مسجد - که سمبل حرکت‌های اجتماعی عصر پیامبر ﷺ بوده است و در طی سالیان اولیه رایج بود - در قرون بعدی منع گردید تا آنجا که فتاوی بسیاری در خانه نشینی زنان رایج شد و به عنوان روایت در جامعه فقهی قرون اولیه اسلام در میان شیعه و سنی نشر گردید. سپس عالمان اخلاق و بزرگان اندیشه‌های احیای دینی آن‌ها را مبنای عمل متدینانه و اخلاق‌مدارانه جامعه قرار دادند تا آنجا که زنان را به طور کامل از جامعه حذف کردند و بنای خانه‌نشینی پایدار ایشان را پایه‌ریزی نمودند. در این مقاله روند شکل‌گیری این روایات را از احادیث موافق حضور زنان (روایات همدلانه) تا روایات مخالف حضور ایشان (روایات غیر همدلانه) بررسی سندی و متنی نموده‌ایم و تأثیر این روایات را در اندیشه عالمان مسلمان پی‌گیری نموده‌ایم.

کلیدواژه‌ها: زنان، روایات همدلانه، روایات غیر همدلانه، مسجد، خانه.

۱. درآمد

حکم نماز از اولین احکام عبادی مشترک زنان و مردان است که طی آیات فراوانی از قرآن کریم به آن اشاره شده است.^۲ همچنین احکام مترتب بر نماز، مانند فضیلت رفتن به مساجد و

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه بوعلی سینا (masoumehrayaan@yahoo.com).

۲. برای مثال: سوره بقره، آیه ۴۳؛ سوره نساء، آیه ۶۷؛ سوره انعام، آیه ۷۲؛ سوره حج، آیه ۷۸؛ سوره نور، آیه ۵۶؛ سوره مجادله، آیه ۲۳.

شرکت در جماعات و عبادت خالصانه خداوند نیز از احکام مشترک در زن و مرد است.^۱ با ورود پیامبر اسلام ﷺ به مدینه، مسجد به عنوان نیایشگاه و محل گردهمایی مسلمانان و نیز مرکزی برای حکومت و مظهر یکپارچگی امت و تمسک جمعی زنان و مردان به جبل الله، رسمیت یافت و سمبل قداست، پاکی، تقوی و وحدت جامعه اسلامی پیامبر ﷺ گردید. این جایگاه در اسلام بر تقوا پایه گذاری شده است.^۲ گرچه در آغاز ورود پیامبر به مدینه، دو مسجد قبا و مدینه التبی بنا گردید،^۳ اما به زودی با گسترش اسلام، مساجد گسترش یافت و هریک از قبایل برای خود مسجدی ساختند و در آن نمازهای جماعات را برپا می کردند. پیامبر نیز گاه در برخی از این مساجد حاضر شده و ادای فریضه می نمود.^۴

پیامبر اسلام ﷺ برای حفظ حرمت مساجد قوانینی تعیین کرد و مسلمانان را نسبت به حریم مساجد ملزم ساخت. ابن شیبّه در کتاب تاریخ المدینه خود، تمامی منهیات پیامبر ﷺ را در بزرگداشت مساجد آورده است؛^۵ اما هیچ یک از این نهی ها به جنسیت افراد اختصاص نداشته و رعایت آن ها شامل همه زنان و مردان می گردید؛ مگر آن که اختصاصاً زنان در شرایط فراغت از ادای نماز باشند.^۶

بعد از رسول خدا نیز مسجد محل عبادت دائمی مردان و زنان بوده است و از رفتن زنان به آن جا جلوگیری به عمل نمی آمده است.^۷ اما به آرامی این سنت نبوی تغییر یافت و مردان برای خروج زنان از خانه و رفتن به مساجد شروطی قرار دادند^۸ و بعد از آن، انتهای خانه ها (قعر بیوت) برای نماز ایشان پیشنهاد گردید.^۹ سپس جریانی رشد کرد که زنان را به طور کامل، در حصار خانه می پسندید؛^{۱۰} چنان که روایات بسیاری از سخت گیری صحابه در این خصوص نیز گزارش شده است.^{۱۱}

به تدریج، در سالیان بعد، عدم خروج زنان از خانه و رفتن به مساجد حکم شرعی پیدا

۱. سوره جن، آیه ۱۸.

۲. سوره توبه، آیه ۱۰۸.

۳. سبل الهدی و الرشاد، ج ۳، ص ۲۶۸.

۴. تاریخ المدینه المنوره، ج ۱، ص ۷۵-۷۹.

۵. همان، ج ۱، ص ۱۸-۳۹.

۶. همان، ج ۱، ص ۳۸.

۷. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۱۶.

۸. همان؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۹۲؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷.

۹. مسند أحمد، ج ۶، ص ۲۹۷.

۱۰. السنن الکبری، ج ۳، ص ۱۳۱.

۱۱. المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۲۹۴؛ المصنف، ج ۲، ص ۲۷۷؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۲۲۸؛ عمدة القاری، ج ۶، ص ۱۵۷.

کرد و متدینان سرشناس نیز خروج زنان به قصد مسجد و هر جای دیگری را ممنوع نمودند.^۱ اکنون بررسی این روایات و تاریخ ظهور آن‌ها مورد بحث این مقاله است. این روایات، با چند شکل، در منابع روایی نقل شده است. شکل ساده، عام و بدون ضمیمه، مبنی بر جواز خروج زنان و روایاتی که با ضمائم دیگری همراه شده و آزادی خروج زنان را مقید به شرایطی کرده است.

ما در این مقاله، ابتدا روایاتی را بررسی نموده‌ایم که موافق حضور زنان در مسجد است (روایات همدلانه) و سپس به برخی از روایاتی که محدودیت‌هایی برای آنان اعمال کرده یا اساساً مخالف خروج زنان‌اند و حضور آنان را تا اعماق تاریک خانه‌ها ترسیم کرده‌اند (روایات غیرهمدلانه) پرداخته‌ایم تا روند شکل‌گیری محدودیت‌های حضور اجتماعی زنان را در طول تاریخ فقه زنان مورد نظر و تدقیق قرار دهیم.

۲. بررسی روایات همدلانه

۲-۱. بررسی روایت «لاتمنعوا»

در منابع روایی اهل سنت از عبدالله بن عمر احادیثی آمده است که مردان را از مخالفت با خروج زنان برای رفتن به مساجد منع نموده است. از نمونه‌های این روایات، حدیث «لاتمنعوا إماء الله مساجد الله» و «لاتمنعوا نساءكم المساجد» است که در این بررسی، اختصاراً آن را «روایت لاتمنعوا» می‌نامیم. روایت لاتمنعوا می‌گوید: کنیزان خدا (زنان) را از رفتن به مساجد منع نکنید. این روایت همدلانه منعی برای خروج زنان ندارد، ولی همین روایت مبنای بسیاری از روایات غیرهمدلانه است. بنا بر این، روایات خروج زنان از خانه از این روایت آغاز می‌شود. به جهت محوریت این روایت، شبکه اسناد آن را ترسیم بصری نموده و اسناد و متن آن را مورد تحلیل قرار می‌دهیم.

۱. المصنف (عبد الرزاق)، ج ۳، ص ۱۵۰.

تئیکه اسناد روایت لا تمتعوا



۲-۲. تحلیل اسناد روایت لاتمنعوا

راویان این شبکه روایت به سه دسته تقسیم می‌شوند:
دسته اول. مالک،^۱ شافعی^۲ و بخاری^۳ روایت خود را از عبدالله بن عمر نقل می‌کنند و به آن طریقی منفرد دارند.

دسته دوم. ابی داود،^۴ ابن خزیمه،^۵ طبرانی^۶ و ابن عبدالبر،^۷ که از نافع نقل کرده‌اند؛ و دسته سوم. ابن ابی شیبه،^۸ احمد،^۹ مسلم،^{۱۰} ابی یعلی،^{۱۱} ابن حبان،^{۱۲} حاکم،^{۱۳} خطیب^{۱۴} و ابن عساکر^{۱۵} که از طریق عبیدالله بن عمر از نافع نقل کرده‌اند. بیهقی^{۱۶} در این میان، تنها کسی است که روایت را از طریق شافعی از سالم از عبدالله بن عمر نقل کرده و از طریق محمد بن اسحاق صنعانی به عبیدالله بن عمر متصل شده است. راهی که اصولاً بیهقی برای اتصال اسناد خود برمی‌گزیند تا از اواسط قرن پنجم هجری خود را به راویان قرون نخست متصل کند. در این شبکه تنها بخاری است که روایت را از بلال بن عبدالله نقل کرده است؛ گرچه بخاری خود ذیل سلسله راویان این حدیث می‌نویسد:

برای بلال بن عبدالله جز این حدیث نمی‌شناسم و این روایت جز از طریق عبدالله بن میسره و عرابی نیست.

۱. الموطأ، ج ۱، ص ۱۹۷.
۲. مسند الشافعی، ص ۱۷۱.
۳. التاريخ الكبير، ج ۸، ص ۴۵۰.
۴. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷.
۵. صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۹۰.
۶. المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۲۷۸ و ۲۵۳.
۷. التمهید ابن عبد البر، ج ۲۴، ص ۲۷۹.
۸. المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۲، ص ۲۷۶.
۹. مسند أحمد، ج ۲، ص ۱۶.
۱۰. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲.
۱۱. مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۱۴۳.
۱۲. صحیح ابن حبان، ج ۵، ص ۵۸۷.
۱۳. معرفة علوم الحديث، ص ۱۴۱.
۱۴. تاریخ بغداد، ج ۳، ص ۱۶۲.
۱۵. تاریخ مدینه دمشق، ج ۵۵، ص ۳۵.
۱۶. السنن الكبرى (بيهقي)، ج ۵، ص ۲۲۴.

و در پایان می‌گوید:

عربی مردی از اهالی مصر بوده و متهم است.^۱

۲-۳. تحلیل متن روایت لاتمنعوا

الف. تعبیر اول - که بیشترین نقل از آن آمده است - عبارت «لاتمنعوا إماء الله مساجد الله» است.

ب. تعبیر دوم - که کمترین نقل از آن آمده است - عبارت «لاتمنعوا نساءکم المساجد» است.^۲ به نظر می‌رسد با توجه به حلقه‌های مشترک روایت^۳ عبدالله بن عمر (م ۷۴ق)،^۴ عبیدالله بن عبدالله بن عمر (م ۱۰۴ق)^۵ و نافع که آزاد شده عبدالله بن عمر است (م ۱۱۷ق)^۶ تاریخ پیدایش این روایت ربع سوم قرن اول هجری باشد.

با توجه به این که اولین راوی این خبر، مالک (م ۱۷۹ق) روایت را با تعبیر «لاتمنعوا إماء الله مساجد الله» آورده است و آخرین راوی - که ابن عساکر (م ۵۷۱ق) است - نیز همین عبارت را دارد. به نظر می‌رسد تغییر واژگان این روایت از نساء به إماء الله - که نشانه آغاز تحقیر زنان با عبارات فرودستانه است - برعهده راویان قرن دومی این شبکه اسناد باشد. ابن خزیمه (م ۳۱۱ق) و ابن عبدالبر (م ۴۳۳ق) - که از کلمه نساء استفاده کرده‌اند - نه به جهت زمان جامعان حدیث، بلکه به دلیل حلقه مشترک این دو نفر که شعبه است از کلمه اماء دور مانده‌اند؛ گویی شعبه روایت اصیل با واژه نساء را در اختیار داشته و این روایت را بدون دخل و تصرف شایع در قرن دوم، نقل کرده است.

بنا بر این، روایت لاتمنعوا با توجه به حلقه مشترک آن، عبدالله بن عمر صحابی (م ۷۴ق) و راویان تابعی او - که اکثراً متصل به خانواده او هستند - و البته با حضور ابوجعفر ع و مالک

۱. التاريخ الكبير، ج ۸، ص ۴۵۰.

۲. صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۹۰؛ المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۲۵۳؛ التمهید ابن عبدالبر، ج ۲۴، ص ۲۷۹.

۳. حلقه مشترک، راوی است که حدیثی را که از یک مرجع شنیده و برای تعدادی از شاگردان نقل می‌کند و بیشتر آنان نیز به نوبه خود برای دو یا چند شاگرد خویش روایت می‌کنند. به عبارت دیگر حلقه مشترک، کهن‌ترین راوی شبکه است که حدیث را برای بیش از یک شاگرد روایت می‌کند؛ یا به تعبیری دیگر، نخستین جا از شبکه اسناد است که همچون چتر باز شده است. وجود راویان مشترک ما را قادر می‌سازد تا برای روایات و آرای مندرج در روایت، تاریخی قطعی تعیین کنیم (تاریخ‌گذاری حدیث روش‌ها و نمونه‌ها، ص ۴۳).

۴. الطبقات الكبرى، ج ۴، ص ۱۴۲.

۵. تهذیب الکمال، ج ۱۹، ص ۷۷.

۶. تاریخ مدینه دمشق، ج ۶۱، ص ۴۲۳.

- که آنان نیز تابعی می‌باشند و همگی از ساکنان مدینه‌اند - صادر شده است. در نتیجه، خاستگاه این روایت مدنی است و تاریخ نقل روایت، با توجه به راویان طبقه اول آن، مانند انس و ابوجعفر و نافع، از ربع سوم قرن اول گواهی می‌دهد. در عین حال، روایت دست‌خوش تطوّر الفاظ گردیده و ظهور متن شایع آن، به قرن دوم اشاره می‌کند.

۳. روایت استیذان

ابن ابی شیبیه (م ۲۳۵ق) روایت را چنین آورده است:

سالم عن أبيه، قال رسول الله ﷺ: إذا استأذنكم نساءكم إلى المساجد، فأذنواهنّ؛^۱

هر گاه زنانتان از شما برای رفتن به مساجد اجازه خواستند، به ایشان اجازه دهید.

این روایت در نه منبع روایی^۲ آمده است.

گرچه به نظر می‌رسد تاریخ قطعی این روایت را نمی‌توان از حداکثر نیمه دوم قرن اول عقب‌تر برده و به صدر صدور روایت، یعنی زمان پیامبر ﷺ رساند، اما می‌توان این روایات را فتاوی‌ای مراجع شرعی صحابه در خروج زنان از خانه دانست. لذا به نظر می‌رسد تاریخ ظهور این روایت انتهای قرن اول و گسترش آن از ابتدای قرن دوم به بعد باشد. این دو روایت حامل هیچ مذمت اجتماعی علیه زنان نیست و برعکس، بر حضور اجتماعی زنان در مسجد به عنوان نماد حضور اجتماعی زن تأکید دارند.

۳. ظهور روایات غیر همدلانه

۳-۱. روایت بلال

اولین واکنش‌ها در برخورد با خروج زنان از خانه به قصد مسجد و اقامه نماز روایتی است که در این مقاله «روایت بلال» نامیده می‌شود. عبدالرزاق از اولین مراجع مدون این روایت چنین می‌گوید:

قال ابن عمر: قال رسول الله ﷺ: لا تمنعوا إماء الله أن يصلين في المسجد. فقال ابن لعبدالله: اتّأ

۱. المصنف (ابن ابی شیبیه)، ج ۲، ص ۲۷۶.

۲. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۵۰؛ المصنف (ابن ابی شیبیه)، ج ۲، ص ۲۷۶؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۵۷؛ صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۳ و ۳۲؛ مسند ابی یعلی، ج ۹، ص ۳۳۳ و ۴۲۸؛ صحیح ابن خزيمة، ج ۵، ص ۵۸۵؛ ذکر اخبار اصبهان، ج ۱، ص ۲۴۲؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۲؛ معرفة السنن و الآثار، ج ۲، ص ۴۱۱.

لمنعهن. قال: فسبّه سباً شديداً. وقال: تحدّثك عن النبي ﷺ وتقول: انا لمنعهن؟^۱

اما متن کامل روایت از احمد بن حنبل می‌گوید:

عبدالله بن عمر يقول: سمعت رسول الله ﷺ يقول: لا تمنعوا، یعنی نسائکم المساجد اذا استأذنکم اليها. فقال بلال بن عبدالله: والله لمنعهن، فأقبل عليه عبدالله حين قال ذلك، فسبّه.^۲

و به نظر می‌رسد اولین راوی این حدیث طیالسی شکل معتبر آن را از هشام الدستوانی نقل کرده که روایتی کوتاه، بدون عبارت پردازی و بدون حاشیه‌سازی است. روایت او این‌گونه است:

انّ النبي قال: لا تمنعوا النساء أن يأتين المسجد. فقال ابنه: والله لمنعهن. فقال ابن عمر: أحَدِّثْكَ عن رسول الله ﷺ وتقول هذا؟^۳

این روایت بر مبنای روایت لا تمنعوا شکل گرفته است و در نه جامع روایی و از پانزده طریق آمده است.^۴ در این روایت، برخی بدون نام بردن از پسر عبدالله بن عمرو صرفاً با عنوان «ابن» له از این فرد یاد کرده‌اند و در عبارات بقیه راویان نیز تفاوت متن مشاهده می‌شود؛ اما محور مشترک همه راویان در اولین خیزش‌ها علیه سخن پیامبر ﷺ است که در صدر روایت با روایت لا تمنعوا از آن یاد می‌کنند.

۲-۳. روایت إذن در شب

بر اساس روایت: «لا تمنعوا إماء الله مساجد الله» و روایت: «اذا استأذنکم نسائکم الی المساجد فأذنوا لهنّ»، روایات دیگری شکل گرفته است که به مضمون مطلق و عام این احادیث، تخصیصاتی زده است و نوع اجازه دادن و یا امتناع نکردن از خروج زنان را مقتید می‌سازد. اولین تخصیص، خروج زن برای رفتن به مساجد در «شب» است. این نوع روایات به دو دسته تقسیم می‌شوند: روایت عام إذن در شب و روایتی که در آن واژه نامأنوس دغل

۱. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۷.

۲. مسند أحمد، ج ۲، ص ۱۴۰.

۳. مسند ابی داود الطیالسی، ص ۲۵۸.

۴. مسند ابی داود الطیالسی، ص ۲۵۸؛ المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۷؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۷۶ و ص ۹۰ و ص ۱۴۰؛

صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲؛ صحیح ابن خزيمة، ج ۳، ص ۹۳؛ المعجم الكبير، ج ۱۲، ص ۲۰۵، ۲۵۱ و ۲۵۲؛ صحیح ابن

حبان، ج ۵، ص ۵۹۱؛ معرفة علوم الحديث، ص ۱۸۲؛ التمهيد ابن عبد البر، ج ۲۴، ص ۲۸۱؛ ج ۲۳، ص ۴۰۰.

(مکرزنان) وجود دارد.

روایاتی که خروج زنان از خانه به قصد نماز در مساجد را مقید به شب نموده است، از این قرار است:

اِذْنُوا النِّسَاءَ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ.^۱
اِذَا اسْتَأْذَنْتُمْ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ فَأَذْنُوا لَهُنَّ.^۲
لَا تَمْنَعُوا النِّسَاءَ مِنَ الْخُرُوجِ بِاللَّيْلِ إِلَى الْمَسَاجِدِ.^۳

طیالسی - که قدیمی ترین منبع روایت است - طریق منفردی به مجاهد دارد.^۴ احمد از طریق سفیان به دو طریق از مجاهده نقل کرده است^۵ و بخاری نیز با دو طریق به مجاهد رسیده است.^۶ ابن حزم با یک طریق، دو روایت مختلف را از مسلم از مجاهد نقل کرده است؛^۷ در صورتی که هیچ یک در روایات مسلم یافت نمی شود.

متن روایت إذن در شب، مضمونی ساده و صریح دارد. این مضمون، همان روایت اجازه خروج زنان برای رفتن به مسجد را به شب مقید نموده است و روایت عام را تخصیص داده است. دلیل این که روایت، وقت شب را توصیه می کند، قطعاً تاریکی شب است که موجب شناخته نشدن زنان در انظار عمومی است. عبدالرزاق از طریق زهری، از سالم، از عبدالله بن عمر آورده است که رسول خدا فرمود:

وقتی همسر یکی از شما برای رفتن به مسجد از شما اجازه گرفت، مانع او نشوید.

سپس در ادامه روایت می گوید:

عبدالغفار برای ما روایت کرد که از اباجعفر مثل همین روایت از ابن عمر را شنیده است؛ اما نافع به او جواب می دهد: بله اما در شب.^۸

یعنی نافع که شب را به عنوان تفسیر یا رأی خود، بر این متن وارد کرده و خود قایل نبوده

۱. مسند أحمد، ج ۲، ص ۹۸.

۲. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۱۶.

۳. المحلی، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ج ۴، ص ۱۹۷.

۴. مسند الطیالسی، ص ۲۵۷.

۵. مسند أحمد، ج ۲، ص ۹۸.

۶. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۱۰؛ ج ۱، ص ۲۱۶.

۷. المحلی، ج ۳، ص ۱۳۰؛ ج ۴، ص ۱۹۷.

۸. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۵۱.

است که کلمه لیل در روایت است و بنا بر فتوا اظهار نظر می‌کند. بدین ترتیب، ورود قید شب در روایات مسجد، اولین گام در بحث خانه‌نشینی زنان در قرن اول است.

مهم است که آیا واژه اللیل را مجاهد در متن آورده یا از قبل بوده است و او فقط ناقل روایت است؟ در هیچ‌یک روایات لاتمنعوا و استیدان - که دارای دو شبکه گسترده و کامل است - واژه اللیل وجود ندارد. ابن عبدالبر در التمهید،^۱ به این مسئله کاملاً واقف بوده و می‌گوید:

وروی حماد بن زید، عن ایوب، عن نافع، عن ابن عمر قال: قال رسول الله ﷺ: لاتمنعوا إماء الله مساجد الله. ولم يقل باللیل او بالنههار.

او تصریح می‌کند که این عدم ممانعت، شب و روز ندارد. طبرانی نیز در المعجم الکبیر،^۲ عین روایت إذن در شب را از طریق مجاهد آورده است، ولی در آن واژه اللیل وجود ندارد. او می‌گوید:

... عن عمرو بن الدینار، عن مجاهد، عن ابن عمر، عن النبی ﷺ: ائذنوا للنساء فی المساجد.

به نظر می‌رسد طبرانی بر اساس رأی و اجتهاد شخصی کلمه اللیل را از این روایت حذف کرده است؛ چون تخصیص اللیل را قبول نداشته است؛ زیرا او می‌دیده که زیادت‌ها در متون اصیل، آن را فاقد مضمون عام و کلی کرده و معانی اولیّه را محدود و بی اعتبار نموده است. پس به رأی خود در حذف این کلمه عمل کرده است. با در نظر گرفتن مضمون کامل این روایت، از همه طرق در شبکه اسناد، به نظر می‌رسد این عبارت تماماً از مجاهد است. به عبارت دیگر، مجاهد واژه اللیل را به این جمله اضافه نکرده است، بلکه کل عبارت از اول تا آخر، از خود مجاهد بوده و اساساً روایتی وجود ندارد و این سخن مجاهد در مقام فتوا بوده است. او از مضامین روایات مختلف، از جمله روایت بلال این برداشت را شخصاً انجام داده است و فتوا ارائه داده؛ اما به عنوان روایت نشر یافته است.

ابوالحجاج مجاهد بن جبر (۲۱-۱۰۴ق) از تابعان مگه است^۳ و گرچه در قرائت و تفسیر شهره بوده،^۴ ولی باید در نظر داشت که او در دوران تکوین فقه می‌زیسته است. روات او سلیمان بن مهران اعمش راوی نابینای کوفی،^۵ ابراهیم بن مهاجر راوی ضعیف کوفی، لیث

۱. التمهید، ج ۲۳، ص ۳۹۶.

۲. المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۲۷.

۳. تذکره الحفاظ، ج ۱، ص ۹۲.

۴. همان.

۵. طبقات الکبری، ج ۵، ص ۳۳۵.

بن ابی سلیمه (م ۴۳ق) هم کوفی است.^۱ و عمرو بن دینار (م ۱۲۵ق) مکی است،^۲ ولی راوی عمرو، و رقاء بن عمر بن کلیب از اهالی کوفه است.^۳ بنا بر این، راویان این روایت همه از یک دیارند و پراکندگی در مناطق حوزه اسلامی ندارند.

مجاهد در یکی از این سفرهایش مدتی ساکن کوفه می‌شود.^۴ به نظر می‌رسد از آنجا که در سلسله روایت مجاهد مشخص است که همگی از اهالی کوفه‌اند، احتمالاً مجاهد در زمینه خروج زنان برای رفتن به مسجد، در شهر کوفه مورد سؤال واقع شده و او فتوای خود را بدین‌گونه نقل کرده که در هنگام شب، بیرون رفتن ایشان بلامانع است و بدین ترتیب، روایت‌گذار در شب (ائذنوا للنساء باللیل الی المساجد) از طریق میزبانان کوفی او نشر یافته است. بنا بر این، تاریخ پیدایش این روایت (با فتوا) انتهای قرن اول یا ابتدای قرن دوم است.

۳-۳. روایت دغل

در ادامه روایت‌گذار در شب از مجاهد، روایت دیگری وجود دارد که گفتگویی بین عبدالله بن عمرو و یکی از پسرانش را گزارش می‌کند. در این گفتگو عبدالله بن عمرو می‌گوید به زنان اجازه دهید در شب به مسجد بروند، ولی یکی از فرزندان عبدالله بن عمرو با او مخالفت کرده و می‌گوید خیر ما اجازه نمی‌دهیم. اگر اینکار را بکنیم، به ما خدعه کرده و فریبمان می‌دهند. این روایت، اندکی شبیه روایت بلال است، ولی با آن یکی نیست و روایتی مستقل است. اولین متن روایت از عبدالرزاق چنین است:

قال ابن عمر: قال رسول الله ﷺ: ائذنوا للنساء باللیل الی المساجد، فقال ابنه: والله لا تأذن لهنّ، فیتخذن ذلك دغلاً.^۵

دغل به معنای فساد، خدعه، شک و تهمت است.^۶ ابن حجر می‌گوید:

این کلمه در روایت به آن معنا است که برخی زنان در این هنگام به قصد رفتن به مسجد به کار دیگری مشغول شده و بیرون رفتن خود از خانه را پوشش می‌دهند و

۱. همان، ج ۲۴، ص ۲۸۰.

۲. همان، ج ۲۲، ص ۷.

۳. همان، ج ۳۰، ص ۴۳۳.

۴. همان، ج ۴، ص ۴۴۲ و ۴۴۵.

۵. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۷.

۶. شرح صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۶۲.

دست به فساد می‌زنند.^۱

روایت دغل نیز از مجاهد است که سلیمان، لیث، اعمش و عمرو بن دینار از او روایت کرده‌اند. طیالسی (م ۲۰۴ق)،^۲ عبدالرزاق (م ۲۱۱ق)،^۳ احمد بن حنبل (م ۲۴۱ق)،^۴ مسلم (م ۲۶۱ق)،^۵ ابوداود سجستانی (م ۲۷۵ق)،^۶ ترمذی (م ۲۷۹ق)،^۷ ابن حبان (م ۳۵۴ق)،^۸ بیهقی (م ۴۵۸ق)،^۹ و ابن عبدالبر (م ۴۶۲ق) همگی روایت را از مجاهد نقل کرده‌اند.

نقل کرده‌اند. تجمع راویان این حدیث برگرد مجاهد بن جبر، نشان می‌دهد این روایت ادامه بحث حدیث اذن در شب است. آنچه این روایت را مستقل کرده، آن است که روایت با درگیری لفظی پسرو پدری که ناقل روایت است، ادامه می‌یابد و پسردلیل مخالفت خود را بیان می‌کند. از این رو، این روایت بعد از حدیث اذن در شب مطرح شده است تا شاهدی بر صحت آن روایت باشد. گرچه ابن حجر روایت بلال و دغل را یکی می‌داند،^{۱۱} اما این اشتباهی است که او مرتکب شده است؛ زیرا بر طبق اسناد راویان، این دو روایت یکی نیستند؛ گرچه متن هر دو، ناقل یک حکایت است.

روایت دغل، جواز مجاهد نقل نشده است؛ گرچه به طور گسترده‌ای نشر یافته و به متون روایی مکتوب رسیده است، ولی می‌تواند ناشی از دو امر باشد. یا این که او از روایت اول خود عدول کرده و اذن در شب را نیز مجاز نمی‌داند و لذا برای حجّت سخنان خویش، مانند سخن بلال را مبنی بر عدم اجازه به زنان ابداع نموده است و یا این که روایت اذن در شب را تأویل کرده و با روایت بلال یک دست نموده، در پاسخ به مردم ارائه داده است؛ زیرا اساساً مجاهد اهل تأویل بوده است. شواهد زیادی مبنی بر تأویل قرآن از او وجود دارد.^{۱۲} و نیز او

۱. فتح الباری، ج ۲، ص ۲۸۹.

۲. مسند ابی داود الطیالسی، ص ۲۵۷.

۳. المصنف (عبدالرزاق)، ج ۳، ص ۱۴۷.

۴. مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۳، ۴۹، ۱۲۷، ۱۴۳ و ۱۴۵.

۵. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۳۲ و ۳۳.

۶. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷.

۷. سنن الترمذی، ج ۲، ص ۴۲.

۸. صحیح ابن حبان، ج ۵، ص ۵۱۷.

۹. السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۲؛ شعب الایمان، ج ۲، ص ۲۰۴.

۱۰. التمهید ابن عبد البر، ج ۲۳، ص ۳۹۶.

۱۱. فتح الباری، ج ۲، ص ۲۸۹.

۱۲. تذکرة الحفاظ، ج ۱، ص ۹۳؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۴۵-۴۴۲.

خبره تفسیر در زمان خود بوده است. لذا جمله وار «یتخذنه دغلاً»، می تواند به نوعی تأویل مجاهد مبنی بر عدم خروج زنان حتی در شب باشد. شاید مجاهد می خواسته روایت بلال را نقل کند و در کوفه - که خود تنها ناقل روایت بلال است - عبارت أخرای آن روایت را جهت حجّت شرعی فتوای خود قرار دهد؛ زیرا مجاهد در روایت بلال حضور دارد و اعمش راوی اوست؛ یعنی این که او روایت بلال را قبلاً در همین شهر از طریق اعمش گسترانیده است، ولی در آن روایت، عبارتی مثل یتخذن دغلاً وجود نداشته است.

طبرانی در المعجم الکبیر،^۱ روایت او را چنین نقل می کند:

... اعمش، عن مجاهد، عن ابن عمر قال: قال رسول الله ﷺ لا تمنعوا النساء المساجد. فقال ابنه: و

الله لمنعهنّ، فمدّ يده، ولطمه، وقال: أحذثك عن رسول الله ﷺ وتقول ما تقول؟

این روایت پیشین مجاهد در جوار مردم کوفه بوده است. آنگاه خود «ائذنوا النساء الى المساجد باللیل» را به این شهر آورده است. سپس برای استدلال بر اذن در شب، روایت اللیل و روایت بلال را جمع و به روایت دغل تبدیل کرده است.

البته نمی توان مجاهد را متهم به کذب و برساختن روایت نمود، ولی می توان گفت که لحن سخن گفتن او شنوندگان را دچار خطا می کرده است و راویان او که آماده شنیدن در کلام او بوده اند،^۲ همچون اعمش نابینا^۳ - که فقط با گوش روایات را دریافت می کرده است - تمامی سخنان او را مبنی بر روایت دانسته، ضبط و ثبت می کردند و برای آیندگان بی کم و کاست و بدون طرح شرایط پیرامونی روایت آن را نقل می نمودند.

بنا بر این، هم صدر این روایت «ائذنوا النساء باللیل الى المسجد» و هم ذیل روایت «روایت بلال و عبارت فیخذن دغلاً» تلفیقی از فتوا و تفسیر مجاهد به دنبال روایت «لا تمنعوا نساءکم المساجد» است و هر دو متن از مجاهد و نه از عبدالله بن عمر نقل شده است. بنا بر این، روایت دغل در ربع سوم قرن اول هجری توسط مجاهد، زمانی که میهمان کوفیان بوده است، طرح گردیده و در قرن دوم هجری گسترش یافته است.

۳-۴. قعربیوت

در ادامه روایات «لا تمنعوا نساءکم المساجد» - که خروج زنان را برای ادای نماز در

۱. المعجم الکبیر، ج ۱۲، ص ۳۰۵.

۲. سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۵۲.

۳. الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۲۳۵.

مساجد، جایز شمرده است - روایتی آمده است که بهترین مساجد زنان را عمق خانه‌ها عنوان کرده و یا بهترین نماز زنان را نمازی می‌داند که در عمق خانه‌ها خوانده شود:
 خیر مساجد النساء قعربیوتهن^۱.

و

خیر الصلاة النساء فی قعربیوتهن^۲.

روایت از سائب غلام ام سلمه، از ام سلمه از پیامبر ﷺ است، اما دراج حلقه مشترک اصلی است و روایت او به طریق منفرد است. سائب در همه روایات، به عنوان سائب مولی ام سلمه زوج النبی ﷺ معرفی شده است. آن‌ها که از عبدالله بن لهیعه روایت کرده‌اند، حدیث «خیر صلاة النساء فی قعربیوتهن» را آورده‌اند که شامل طریق دیگر احمد، ابی یعلی و طبرانی است و آن‌ها که از عمرو بن حارث بن یعقوب روایت کرده‌اند، روایت «خیر مساجد النساء فی قعربیوتهن» را آورده‌اند که عبارت‌اند از: طریق اول احمد، ابن خزیمه، حاکم، ابن سلامه، بیهقی و ابن عبدالبر.

نووی در معنای این روایت می‌گوید:

ای کاش زنان بدانند خانه‌ها برای آن‌ها بهتر است، ولی نمی‌دانند و می‌خواهند که برای نمازهایشان به مسجد بروند و اعتقاد دارند اجرشان در مسجد بیشتر است. ولی مسئله این است که نماز آنان در خانه‌ها بهتر از این است که فتنه درست کنند.^۳
 نقل مکرر این‌گونه نگرش‌ها و استنباط‌ها برای فقیهان چنان حجّت شرعی بوده است که دیگر سخنان خود را با فتوا نمی‌گفتند، بلکه با روایت اعلان می‌کردند. شنقیطی در اضواء البیان^۴ می‌گوید:

قوله ﷺ: صلاة فی مسجدی هذا خیر من الف صلاة فیما سواه الا المسجد الحرام، خاص بالرجال. اما النساء فصلاتهن فی بیوتهن خیر من الصلاة فی الجماعة فی المسجد.

نووی این روایات را مبنی بر کراهت نماز زن در مسجد دانسته می‌گوید:

۱. مسند أحمد، ج ۶، ص ۲۹۷؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۹۲؛ المستدرک، ج ۱، ص ۲۰۹؛ مسند الشهاب، ج ۲، ص ۲۳۲؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۱؛ التمهید، ج ۲۳، ص ۴۰۱.
۲. مسند أحمد (طریق دوم)، ج ۶، ص ۳۰۱؛ مسند ابی یعلی، ج ۱۲، ص ۴۵۴؛ المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۳۱۴.
۳. نقل از عون المعبود، ج ۲، ص ۱۹۳.
۴. اضواء البیان، ج ۵، ص ۵۴۷.

نماز در مسجد برای زنان مکروه است؛ زیرا امر شده‌اند بیشتر خود را بپوشانند و با لباس خانگی بیرون آمدن، هتک حرمت است و این کراهت بدان جهت است که خود را حفظ کنند و اجتماعشان موجب فتنه و شر نشود.^۱

ابن عبدالبر به صراحت می‌گوید:

رفتن زنان به مسجد واجب نیست و اگر گفته شده شب بیرون بروند باید که رعایت شود.^۲

مناوی با رویکرد دیگری می‌گوید:

حتی در نمازهای واجب، خانه‌ها برای زنان بهتر است؛ چرا که پوشش آنان را تکمیل می‌کند.^۳

به نظر می‌رسد که متن هر یک از روایات برهه‌ای از زمان راویان را منعکس می‌کند که هر چه از قرن اول - که روایت «لاتمنعوا نساءکم المساجد» را روایت می‌کردند - بگذریم، روایات قرن دومی چهره سخت‌تری از رفتار اجتماعی علیه زنان را ترسیم می‌کند. در این زمان، روایت «لاتمنعوا» مقید به قیود بیشتری شده و عبارات «باللیل» و «فی قعربیوتهن» سرعت عمل محصور کردن زنان در خانه‌ها را ترسیم می‌کند. این در حالی است که ام سلمه^۴ و عایشه^۵ خود راویان روایات مسجدند. آن‌ها شیوه نماز خواندن زنان در مسجد رسول خدا ﷺ را روایت کرده است و از زنان نمازگزار گزارش می‌کنند؛ همچنان که جزئیات حج پیامبر ﷺ را گزارش نموده‌اند.^۶ بنا بر این، «روایت قعربیوت» با هیچ‌یک از مضامین روایات ام سلمه در خصوص نمازهای مسجد تناسبی نداشته و با سیاق این روایات در تضادی آشکار است.

راوی اصلی روایت قعربیوت، دراج ابی السمع است. در عین حال، دو نوع مختلف روایت از او نقل شده است: راویان روایت «خیر مساجد النساء قعربیوتهن» مصری‌اند. دراج بن سمعان (م ۲۶ق) مولی عبدالله بن عمرو بن عاص، اهل مصر بوده، قصه‌گو^۷ و ضعیف

۱. المجموع، ج ۲۵، ص ۲۰۵.

۲. الاستذکار، ج ۲، ص ۴۶۶.

۳. فیض القدير، ج ۳، ص ۶۵۵.

۴. صحیح البخاری، ج ۱، ص ۲۰۱؛ المصنف (عبدالرزاق)، ج ۱، ص ۵۷۳.

۵. مسند أحمد، ج ۶، ص ۳۳؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۲۲۷؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۹۸؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۹۸؛

سنن النسائي، ج ۱، ص ۲۷۱؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۰۴.

۶. همان، ج ۸، ص ۵۰.

۷. تهذیب الکمال، ج ۸، ص ۴۷۸.

است.^۱ دیگر روایان حدیث نیز مصری‌اند؛ عمر بن الحارث بن یعقوب (م ۱۴۸ق) قاری، فقیه و مفتی و از طبقه سوم تابعین مصر است.^۲ احمد بن حنبل به او جملات تندی گفته، قتاده احادیش را مضطرب و او را اهل خطا در نقل دانسته است.^۳ عبدالله بن وهب بن مسلم (م ۱۹۷ق) فقیه و شیخ مصری،^۴ یونس بن عبد الاعلی،^۵ و ابوطاهر احمد بن عمرو بن السرح (م ۲۵۰ق) همگی اهل مصراند.^۶ و ابوبکر عبدالله بن محمد بن زیاد نیشابوری امام شافعیان عصر خود در عراق^۷ او از مشایخ بزرگ حدیث بوده و از نیشابور، عراق، شام، حجاز و «مصر» حدیث شنیده است.^۸ بقیه روایان این روایت در منابع دیگر نیز مصری‌اند؛^۹ اما رجال روایت «خیر صلاة النساء فی قعربیوتهن» مصری^{۱۱} و برخی عراقی‌اند.^{۱۲}

بنا بر این، در اسناد این روایت با دو گروه مصری‌ها و عراقی‌ها مواجهیم که گروه مصری‌ها روایت «خیر مساجد النساء...» و گروه عراقی‌ها (بغدادی و بصری) روایت «خیر صلاة النساء...» را آورده‌اند. به نظر می‌رسد این سخن در اصل «خیر مساجد النساء قعربیوتهن» بوده است، ولی ظاهراً ابن لهیعه قاضی، آن را به خیر صلاة النساء تبدیل کرده و برای شاگردان خود روایت کرده است؛ زیرا با آشنایی که با روایات لاتمنعوا و استیذان داشته است، می‌دانسته که این روایات تحت آن عنوان جایگاهی در روایات پیامبر ﷺ ندارد و به اصطلاح، آن را اصلاح کرده است. راوی مهم اسناد قعربیوت، سائب مولی أم سلمه است. بخاری درباره او اطلاعاتی نیاورده است و فقط می‌گوید:

سائب مولی أم سلمه زوج النبی ﷺ الاسدیة القرشیة، عن أبی سلمة، روی عنه دراج.^{۱۳}

۱. تاریخ مدینه دمشق، ج ۱۷، ص ۲۱۸ و ۲۲۰ و ۲۲۴؛ تهذیب الکمال، ج ۸، ص ۴۷۹ و ۴۸۰.
۲. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۵۷۳؛ تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۵، ص ۴۵۵.
۳. تهذیب الکمال، ج ۲۱، ص ۵۷۳.
۴. همان، ج ۱۶، ص ۲۸۶؛ الکامل فی ضعف الرجال، ج ۴، ص ۲۰۲.
۵. همان‌ها.
۶. تهذیب الکمال، ج ۳۲، ص ۵۱۵.
۷. همان، ج ۱، ص ۴۱۵.
۸. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۶۵.
۹. همان، ج ۱۵، ص ۶۶.
۱۰. همان، ج ۲۹، ص ۲۹؛ ج ۲۶، ص ۳؛ ج ۲۷، ص ۲۵ و ۲۹؛ ج ۹، ص ۱۹۵؛ ج ۳۱، ص ۴۹۲.
۱۱. تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۹۳ و ۴۹۶.
۱۲. همان، ج ۹، ص ۴۰۵ و ۴۰۶؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۵۰۶ و ۵۰۷؛ الثقات، ج ۸، ص ۵۵.
۱۳. التاریخ الکبیر، ج ۴، ص ۱۵۳.

همچنین بخاری موالی أم سلمه را سائب، یزید و نفع نام برده است.^۱ ابن خزیمه راوی این روایت، خود می‌گوید:

سائب را نه به عدالت و نه به جرح می‌شناسم.^۲

بنا بر این، هیچ اطلاعات عمومی و رجالی درباره این شخصیت جز همین روایت و روایت ملاقات زنان حمص با عایشه وجود ندارد.^۳ حال می‌توان گفت که با توجه به شخصیت قصه‌گوی دراج، او توانسته است کسی را برای قصه‌های خود از طبقه اول تابعان پیدا کند که نام و نشانی ندارد و شاید هم حقیقتاً وجود خارجی نداشته یا اگر داشته است، صاحب روایت و اثری نبوده است و او با توانایی در قصه‌پردازی، روایتی را از همسر رسول خدا بیان کند که هم از زبان یک زن و هم از نزدیک‌ترین افراد به پیامبر ﷺ باشد، تا هیچ ردپایی را از خود به جا نگذاشته، برای نقطه دوردستی همچون مصر آن را نشر داده و از طرق راویان مصری به بغداد و بصره برساند.

۳-۵. روایت ظلمت

در ادامه روایت قعربیوت روایتی در متون یافت می‌شود مبنی بر آن‌که بهترین نماز زنان نمازی است که در تاریک‌ترین مکان خانه باشد. این روایت در سه منبع روایی آمده است و مضمون روایت بدین قرار است: ابن خزیمه از ابن مسعود آورده است:

ان احب الصلاة تصیلها المرأة الى الله في اشد مكان في بيتها ظلمة.^۴

این روایت، در واقع، تفسیری از معنای قعربیوت است که با الفاظ جدی‌ترو بی‌پرده‌تری زنان را به جای دعوت به مسجد و بیرون آمدن از خانه، به تاریک‌ترین نقطه در خانه‌ها دعوت می‌کند تا شایستگی نماز آنان را گوشزد نماید. استفاده از واژه‌های «احب الی الله» و «أشد ظلمة» در این روایت، حکم شرعی مکان نماز را با درجه استحباب مؤکد بیان می‌کند. ابراهیم بن مسلم عبدی ابواسحاق کوفی معروف هجری راوی روایت این سه نفر است. یحیی بن معین، ابوحاتم، نسائی و بسیاری او را تضعیف کرده‌اند.^۵ ظاهراً او دارای کتاب

۱. همان.

۲. صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۹۲.

۳. همان، ج ۶، ص ۳۰۱.

۴. همان، ج ۳، ص ۹۵ و ۹۶؛ مسند الشهاب، ج ۲، ص ۲۵۶؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۱.

۵. تهذیب الکمال، ج ۲، ص ۲۰۴.

حدیث بوده است، ولی خود نمی توانسته آن را سامان دهد.^۱ مزی از ابراهیم هجری حکایت های ناخوشایندی آورده است.^۲ لذا او می توانسته با گرایش های فکری قرن دوم علیه زنان، روایات را متناسب با افکار اجتماعی آن روز متناسب کرده و به بازار پرتقاضای آن محیط عرضه نماید. مزی سال مرگ او را نیاورده است، ولی چون او متأخر از ابوالاحوص عوف بن مالک است - که در زمان حجاج (م ۹۵ق) به دست خوارج کشته شده است،^۳ و معاصر سفیان ثوری (م ۱۶۱ق)^۴ است و در زمان او پیرمرد بوده است - احتمالاً مرگ او در نیمه اول قرن دوم است.

۳-۶. روایت أم حمید

در ادامه روایات ظلمة و قعریوت روایت دیگری هم سوبا آن روایات در هفت منبع روایی آمده است.^۵ این روایت از طریق عبدالله بن سوید است. این روایت هم به شکل مختصرو هم به شکل مشروح نقل شده است.

ابن خزیمه به نقل از عبدالله بن سوید انصاری، از عمه اش، أم حمید نقل می کند که أم حمید روزی نزد رسول خدا رفته و گفته است: ای پیامبر خدا! من دوست دارم با تو نماز بخوانم. پس پیامبر ﷺ به او پاسخ می دهد: می دانم که تو دوست داری با من نماز بخوانی، ولی نماز تو در خانه ات (بیت) از نماز در صحن خانه ات (دار) بهتر است و نماز در صحن خانه ات از نماز در مسجد قومت برتر و نماز در مسجد قومت از نماز در مسجد من برتر است. پس پیامبر ﷺ دستور داد برای او در منتها الیه خانه اش مسجدی ساختند و آن را تاریک نمودند، و أم حمید همواره در آن جا نماز می خواند تا آن که به دیدار پروردگارش شتافت.^۶ اولین راوی أم حمید - که گفته می شود از همسرام حمید ساعدی نقل می کند - عبدالله بن سوید است. درباره همسرام حمید اطلاعات چندانی وجود ندارد. با این نام در تهذیب الکمال مزی،^۷ یک صحابی وجود دارد که جز عبارت «وله صحبة» از او شرح دیگری نیامده است. او راوی

۱. تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲. همان.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۴۴۶.

۴. همان، ج ۱۱، ص ۱۶۶.

۵. مسند احمد، ج ۶، ص ۳۷۱؛ صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۹۴؛ صحیح ابن حبان، ج ۵، ص ۵۹۵؛ التمهید ابن عبد البر، ج ۳۳، ص ۴۹۸؛ المصنف (ابن ابی شیبه)، ج ۲، ص ۲۷۷؛ المعجم الکبیر، ج ۲۵، ص ۱۴۸؛ السنن الکبری (بیهقی)، ج ۳، ص ۱۳۳.

۶. صحیح ابن خزیمه، ج ۳، ص ۹۵.

۷. همان، ج ۱۵، ص ۷۳.

یک حدیث در عورات الثلاث است و بخاری در الادب المفرد فقط همین روایت را از او نقل کرده است.^۱ مصححین تهذیب الکمال در پاورقی، ذیل عبدالله بن سوید آورده‌اند:

کسی که گفته شده از عمه‌اش أم حمید نقل می‌کند، با این فرد - که برای او حدیث عورات الثلاث را آورده‌اند - متفاوت است و اشتباه از ابی احمد عسکری است که این دو را یکی دانسته است.^۲

از دیگر راویان اسناد این روایت، داود بن قیس است که از عبدالله بن سوید این روایات را نقل کرده است. مزی در شرح داود بن قیس نیز، عبدالله بن سوید را در میان کسانی که داود از او روایت می‌کند، نیاورده است.^۳ در دیگر منابع رجالی نیز نامی از عبدالله بن سوید دیده نمی‌شود.

شخص دیگری که از أم حمید روایت می‌کند، عبدالحمید بن منذر بن ابی حمید ساعدی است. او می‌گوید که أم حمید مادر بزرگش بوده است و این روایت را به نقل از پدرش منذر بن ابی حمید نقل می‌کند. در هیچ یک از منابع رجالی نامی از منذر بن ابی حمید نیز وجود ندارد. عبدالحمید بن منذر نیز - که روایت را آورده - ناشناخته است و در هیچ یک از کتب رجالی نامی از او نیامده است.

مزی تحت این نام از مردی به نام عبدالحمید بن منذر بن الجارود عبدی مصری نام برده که تنها از انس بن مالک روایت کرده و فقط انس بن سیرین از او حدیث نقل می‌کند و می‌گوید ابن ماجه از او تنها یک روایت آورده است.^۴ لذا او فرد مورد بررسی روایت ما نیست. اگر شخصیت ابوحمید ساعدی را - که صحابی رسول خداست - و أم حمید - که به عنوان همسر او معرفی شده است - نیز پی‌گیری کنیم، چنین روایتی از او نیز نقل نشده است.^۵

عبدالؤمن بن عبدالله کنانی در طریق بیهقی و عبدالله بن لهیعه در طریق ابن ابی شیبه و طبرانی این روایت را از عبدالحمید آورده‌اند. مزی در شرح احوال عبدالله بن لهیعه، در میان آنانی که عبدالله از او روایت کرده است نامی از عبدالحمید نبرده است.^۶ عبدالؤمن بن عبدالله کنانی نیز در هیچ یک از منابع رجالی یاد نشده است. از دیگر سوی، عثمان بن

۱. همان.

۲. همان، ج ۱۵، ص ۷۳.

۳. همان، ج ۸، ص ۴۴۰.

۴. همان، ج ۱۶، ص ۴۶۰.

۵. مسند أحمد، ج ۵، ص ۴۲۴.

۶. تهذیب الکمال، ج ۱۵، ص ۴۸۱.

عمران نیز - که این روایت را از ابن لهیعه گرفته است - در منابع رجالی یاد نشده و از راویان ابن لهیعه نیز شمرده نشده است.^۱ در آخر، ابن حزم تکلیف را روشن نموده و می‌گوید:

عبد الحمید بن منذر مجهول است و هیچ کس او را نمی‌شناسد.^۲

أم حمید در هیچ یک از منابع رجالی شناخته نشده و این عنوان در منابع رجالی وجود ندارد. بنا بر این، سند روایت أم حمید از خود او تا طبقات بعد از او همگی ناشناخته و شخصیت‌های خیالی‌اند که بر ساخته شده و به نام ایشان روایت را نقل نموده‌اند. متن روایت ابن ابی شیبیه، طبرانی و بیهقی از عبد الحمید، متنی کوتاه است که از دو طرف گفتگو أم حمید و پیامبر ﷺ برخوردار است. ابن ابی شیبیه می‌گوید:

فقال رسول الله ﷺ: **صَلَاتُكَ فِي بَيْتِكَ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي حَجْرِكَ، وَ صَلَاتُكَ فِي حَجْرِكَ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْجَمَاعَةِ؛**

پیامبر خدا فرمود: نماز شما زنان در خانه‌ها (بیت) بهتر از نمازهایتان در اتاق‌هاست (حجره) و نمازهایتان در اتاق‌ها بهتر از نماز جماعت است. (بیت → حجره → جماعه) قطعاً این مقایسه غیر منطقی است؛ زیرا حجره از بیت کوچک‌تر است.

متن طبرانی می‌گوید:

صَلَاتُكَ فِي بَيْتِكَ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي حَجْرِكَ، وَ صَلَاتُكَ فِي حَجْرِكَ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي دُورِكَ، وَ صَلَاتُكَ فِي دُورِكَ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي الْجَمَاعَةِ.

(بیت → حجره → دار → مسجد جماعه)

در متن طبرانی راویان سند، کلمه دار را - که در حدیث ابن ابی شیبیه نبود - به متن اضافه کرده‌اند؛ در حالی که هر دو از ابن لهیعه روایت می‌کنند، ولی با اضافه کردن آن سیر غیر منطقی این مقایسه همچنان باقی است.

متن بیهقی می‌گوید:

صَلَاتُكَ فِي بَيْتِكَ خَيْرٌ مِنْ صَلَاتِكَ فِي دُورِكَ، وَ صَلَاتُكَ فِي دُورِكَ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِكَ فِي مَسْجِدِ الْجَمَاعَةِ.

بیت → دار → مسجد جماعه

۱. همان، ج ۵، ص ۴۸۹.

۲. المحلی، ج ۴، ص ۲۰۰.

بیهقی لفظ حجره را حذف نموده است و با سه گزینه بیت و دار و جماعه سیر منطقی این مقایسه را ایجاد کرده است و لذا متن او مشکلات ابن ابی شیبه و طبرانی را ندارد. احمد، ابن خزیمه، ابن حبان و ابن عبدالبراین روایت را مفصل تر از روایت عبدالحمید آورده اند و اجزای داخلی متن گسترده تر است.

در روایت آنان چهار جزء قابل مشاهده است: ۱. درخواست أم حمید، ۲. پاسخ پیامبر ﷺ، ۳. اقدام عملی پیامبر ﷺ برای اجرای کامل پیام، ۴. امثال امر أم حمید. در پاسخ پیامبر ﷺ، متن احمد و ابن حبان و ابن عبدالبرمی گوید:

قال: قد علمتُ انک تحبین الصلاة معی، و صلاتک فی بیتک خیر من صلاتک فی حجرتک، و صلاتک فی حجرتک خیر من صلاتک فی دارک، و صلاتک فی دارک خیر من صلاتک فی مسجد قومک، و صلاتک فی مسجد قومک خیر من صلاتک فی مسجدی.

بیت → حجره → دار → مسجد قوم → مسجد پیامبر
در این پاسخ، پنج جایگاه از بیت تا مسجد پیامبر ﷺ مورد مقایسه واقع شده است و بیت بر همه موارد ترجیح داده شده است؛ هم چنان که مشاهده می شود جایگاه حجره - که کوچک تر از بیت است - این ترسیم را غیر منطقی نیز کرده است. اما سلسله متن ابن خزیمه چنین است:

بیت → دار → مسجد قوم → مسجد پیامبر
در این قسمت، ابن خزیمه از کلمه حجره - که این روند را غیر منطقی می کرد - صرف نظر کرده و حدیث را به روال منطقی سوق داده است. در اقدام علمی پیامبر ﷺ می گوید:

قال: فأمرت، فبُنی لها مسجد فی اقصى شیء من بیتهما و اظلمه؛

أم حمید پذیرفت و برای او در منتهای به خانه اش مسجدی ساخته شد و مجدداً آن را تاریک تر کردند.

نقل هر چهار نفر در این متن یکسان است.
و در انتها، ام حمید امثال امر نموده است.

فكانت تصلی فیہ حتی لقیته الله ﷻ؛

پس ام حمید در آن جا نماز می خواند تا آنگاه که به ملاقات پروردگار شتافت.

نقل هر چهار نفر در این متن نیز یکسان است.

پیام این روایت در قسمت آخر متن است. این که ام حمید - که خود یک صحابییه بوده است - به محض فرمایش پیامبر ﷺ پیوسته در تاریک‌ترین نقطه خانه‌اش نماز خواند تا مرد. همان‌طور که در این متن مشاهده می‌شود، به جهت سیر غیر منطقی بحث و مقایسه مکان‌های نماز زنان با یکدیگر، مسابقه‌ای در نقل راویان پدید آمده است که هر یک می‌کوشند راه طولانی‌تری تعیین کرده و زنان را هر چه بیشتر به عقب برانند. صرف نظر از تفاوت متن و اصلاح برخی مشکلات آن توسط منابع متأخرتر، پیام هر دو روایت عبدالحمید و عبدالله بن سوید - که معلوم نیست چه کسانی هستند - به زنان این است که اگر مردانتان شما را از رفتن به مسجد منع کردند، نرنجید و بر عکس بپذیرید؛ زیرا پشتوانه فلسفی این روایت، تبعیت از فرمان رسول خدا ﷺ است که آخرین بخش خانه‌ها برای حضور شما بهترین مکان است و حتی زنان صحابی نیز از این امر اطاعت کرده‌اند. با بررسی متن و سند این روایت می‌توان دریافت که روایت ام حمید یک داستان است و بیش از آن که روایتی در کار باشد، مصداق‌یابی برای روایات پیش از خود است و قطعاً از طرف قصه‌گویان نشر یافته است. تاریخ ظهور روایت ام حمید، نیمه دوم قرن دوم هجری است. این روایت از طریق افراد موثقی چون ابن لهیعه و داود بن قیس گسترش یافته و به منابع روایی رسیده است.

۷-۳. روایت مخدع (صندوق خانه)

روایات دیگری وجود دارد که علاوه بر تکرار مضامین روایات پیشین، موارد جدیدی به آن افزوده است. یکی از این روایات چنین است:

صلاة المرأة في بيتها أفضل من صلاحها في حجرتها، و صلاحها في مخدعها أفضل من صلاحها في بيتها.^۱

مخدع به کسر، فتح و ضم میم و فتح دال خوانده می‌شود. طریحی می‌گوید:

آن خانه کوچکی است که داخل خانه بزرگ‌تر باشد.^۲

غزالی نیز می‌گوید:

جایی است تو در تو تا زنان در آن در ستر و پوشش باشند.^۳

۱. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۷.

۲. مجمع البحرین، ج ۴، ص ۳۲۰.

۳. احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۶۲.

المنذری می‌گوید:

مخدع انباری خانه است.^۱

در فارسی نیز آن را اتاقی می‌دانند که در عقب خانه است.^۲ واژه‌ای که مردم قدیم به آن صندوق خانه می‌گفتند. به عبارت دیگر، این کلمه همان معنای «قعر بیوت» است، ولی به اعتبار این کلمه معنای این روایت را از روایات قعریوت جدا نموده‌ایم. این واژه نامأنوس استعمال زیادی نیز در متون عربی ندارد.

این روایت به نقل از سه صحابی ابن عباس و ابوهریره و ابن مسعود آمده است. روایت عبدالله بن مسعود از پیامبر ﷺ نقل شده است ولی روایت ابن عباس در پاسخ زنی است که از او راجع به نماز در روز جمعه سؤال کرده است. این نقل از ابن ابی شیبیه آمده است.^۳ و روایت ابوهریره از طریق دوم ابن عبدالبر است.^۴

ابن خزیمه و ابن حزم هر دو در روایت مخدع نیز حضور دارند؛ و هر دو از محمد بن مثنی (حلقه مشترک فرعی) روایت می‌کنند. اما به نظر می‌رسد این روایت ابتدا از ابن مسعود شهرت یافته است؛ زیرا به لحاظ سنی او از کبار صحابه و ابن عباس از صغار صحابه است. آنگاه ابن عباس همان متن را گرفته و بر آن مسجد را افزوده است و ابی هریره همان را به اوج کمال رسانده است. در واقع این روایت در زمانی بسیار متأخرتر اصلاح شده و سیر منطقی خود را پیدا کرده است.

۴. گسترش روایات نماز زنان در قرون بعدی و نتیجه‌گیری

روایات نمازهای جماعت زنان در طول تاریخ فقاهت دارای موافقان بسیار و مخالفانی، گرچه اندک بوده است. در برخی روایات، طبرانی و ابن حزم (م ۴۵۶ق) از مخالفان این روایات اند.^۵ اما در موافقت با اندیشه محدودیت زنان، این روایات به منابع شیعه نیز راه یافته و مبنای حکم شرعی آنان نیز قرار گرفته است. محقق حلی در کتاب المعبر^۶ بر مبنای این

۱. الترهیب و الترغیب، ج ۱، ص ۲۲۷.

۲. الاحکام الشرعیة ثابتة لا تتغیر، ص ۱۶۳.

۳. المصنف (ابن ابی شیبیه)، ج ۲، ص ۲۷۷.

۴. التمهید ابن عبد البر، ج ۲۳، ص ۳۹۹.

۵. نقل از مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۲، ص ۳۳؛ المحلی، ج ۳، ص ۱۳۲.

۶. المعبر، ج ۲، ص ۲۹۳.

عبارت - که آن را روایت تلقی کرده - آورده است:

الأفضل للمرأة أن لا تسعى إلى الجماعة، لأنها ليست أهلاً لحضور مجامع الرجال، ولو كانت منسية لقوله عليه السلام (بيوتهن خير لهن).

همچنین روایت «خیر مساجد النساء البيوت» مورد توجه محمد تقی مجلسی در روضة المتقين،^۱ و شیخ جعفر کاشف الغطاء در کشف الغطاء،^۲ سید علی طباطبایی در ریاض المسائل،^۳ و علامه شوشتری در النجعة فی شرح اللمعة^۴ و عده بسیار دیگری^۵ قرار گرفته است. همچنین روایت «صلاة المرأة فی مخدعها افضل» که مورد توجه عالمان تراز اول شیعه، مانند شیخ صدوق، علامه حلی، شهید اول و مجلسی بوده است.^۶

از دیگر موافقان این روایات، عالمان اخلاق و عارفان هستند که از این روایات دست نهشته و با نقل آن در کتب خویش در طرد حضور اجتماعی زنان، جانبداری کرده‌اند.^۷ و اصولاً غزالی از میان ایشان این دست روایات را به خوبی نشر داده است.^۸

دیدگاه‌های غزالی (م ۵۰۵ هـ ق) در موضوع مذمت زنان تا چند قرن قابل مشاهده است. غزالی در توصیه‌های اخلاقی خود از روایات مذمت زنان بهره بسیار برده است. او در روایات دغل،^۹ و روایت مخدع^{۱۰} و بسیاری روایات دیگر، علاوه بر استناد به روایات، نگاه‌های عصری قرن پنجم را نیز به خوبی ترسیم می‌کند. غزالی در توجیهی اجتماعی معتقد است:

زمانه به گونه‌ای عوض شده است که گر چه خروج زن از خانه با رضایت شوهرش مباح است، اما نشستن در خانه برای او سالم‌تر است و زنان جز برای امور مهم نباید از خانه بیرون روند؛ زیرا خروج زن برای گردش و تماشا و امور غیر مهم، بدنام کردن

۱. روضة المتقين، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲. کشف الغطاء، ج ۳، ص ۳۱۰.

۳. ریاض المسائل، ج ۳، ص ۲۶۹.

۴. النجعة فی شرح اللمعة، ج ۲، ص ۱۴۱.

۵. مانند: مدارک العروة، ج ۱۴، ص ۶۵ و...

۶. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۹۷؛ تذکرة الفقهاء، ج ۴، ص ۲۳۸؛ منتهی الطلب، ج ۶، ص ۱۷۸؛ ذکری الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۴، ص ۳۷۶؛ روضة المتقين، ج ۲، ص ۱۰۷ و...

۷. رسائل اخوان الصفاء و خلاق الوفاء، ج ۲، ص ۳۳۴؛ قوت القلوب فی معاملة المحبوب، ج ۲، ص ۴۲۰.

۸. احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۳۸.

۹. همان.

۱۰. همان، ج ۴، ص ۱۶۲.

و بی‌آبرو نمودن مردان و گاه منجر شدن به فساد است؛ گرچه زنان باید با روبنده خارج شوند. ولی اگر نگاه به زن موجب فتنه شود، همان نگاه هم حرام است.^۱

غزالی در عین آن‌که همه مبانی دین را برای احیای مجدد واکاوی کرده است، اما در عین حال از گفتمان عصری و منظومه فکری قرون پیش از خود در نگاه به زنان هرگز خارج نشده و در جهت احیای دیدگاهی متفاوت به زنان هیچ‌گونه تلاشی نکرده است و برعکس، تمامی تلاش خود را در حفظ سنت تاریخی نگاه بدبینانه به زنان مبذول نموده است. او در شرح روایت مخدع قایل است:

نزدیک‌ترین حالت زن به خداوند وقتی است که در قعر خانه‌اش باشد. و همانا نماز زن در صحن خانه‌اش (دار) از نماز او در مسجد برتر است و نماز در داخل خانه‌اش (بیت) برای او از نماز در صحن خانه برتر است و نماز او در مخدع از نماز در داخل خانه بهتر است.^۲

او ذیل بحث اعتدال در غیرت مردان، بدون واسطه علی رضی الله عنه، روایت ندیدن زنان را تغییر داده و می‌گوید:

وقال رسول الله ﷺ لبنته: أئ شئ خیر للمراة؟ قالت: أن لا تری رجلاً ولا یراه رجلاً. فضمتها الیه وقال: ذریة بعضها من بعض.^۳

گرچه به نظر می‌رسد روایت خود را عیناً از کتاب اخلاقی ابوطالب مکی به نام قوت القلوب فی معامله المحبوب^۴ آورده است؛ اما از بین متون متفاوت این روایت، متن غزالی است که به متون دیگر راه یافته و در مناقب آل ابی طالب^۵ ابن شهر آشوب (م ۵۸۸ق) و کتب اخلاقی دیگری چون جامع السعادات نراقی^۶ عیناً رسیده است.

رواج این روایات تا زمان غزالی بیان‌گر تغییرات اجتماعی گسترده‌ای است که اگر زنان عنصر تعیین‌کننده‌ای در آن تغییرات نبوده‌اند، ولی همواره محل نزاع و دعوای فقهی و شرعی آن هستند. از این رو، الزامات رعایت شرعی حضور اجتماعی آنان پی‌ریزی گردیده است.

۱. احیاء علوم الدین، ج ۴، ص ۱۴۳.

۲. همان، ج ۴، ص ۱۶۲.

۳. همان، ج ۴، ص ۱۴۲.

۴. ج ۲، ص ۴۲۲.

۵. ج ۲، ص ۱۱۹.

۶. ج ۱، ص ۲۳۹.

كىتابنامە

قرآن كرىم.

- الاحكام الشريعة ثابتة لا تتغير، لطف الله صافى گلپايگانى، قم: دارالقرآن الكرىم، ۱۴۱۲ق.
- احياء علوم الدين، ابو حامد غزالى، بيروت: دار الكتب العربى، بى تا.
- الاستذكار، يوسف بن عبدالله بن عبدالبر، بيروت: دارالكتب العلمية، بى تا.
- اضواء البيان فى ايضاح القرآن بالقرآن، محمد امين بن محمد شنقىطى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۲۵ق.
- الانساب و الاشراف، احمد بن يحيى بلاذرى، مصر: مطابع دارالمعارف، ۱۹۵۹م.
- التاريخ الكبير، محمد بن اسماعيل بخارى، ديار بكر: المكتبة الاسلامية، بى تا.
- تاريخ المدينة المنورة، ابو زيد عمرا بن شبة نميرى، قم: دارالفكر، ۱۳۶۸ش.
- تاريخ بغداد او مدينة السلام، احمد بن على خطيب بغدادى، بيروت: دارالكتب الاسلامية، ۱۴۱۷ق.
- تاريخ مدينة دمشق، على بن حسن بن عساكر، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ق.
- تحفة الأحمدي، محمد بن عبدالرحمن مباركفورى، بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۰ق.
- تذكرة الحفاظ، محمد بن احمد بن عثمان ذهبى، بيروت: دار احياء التراث العربى، بى تا.
- تذكرة الفقهاء، حسن بن يوسف بن مطهر حلى، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، ۱۴۱۴ق.
- الترغيب و الترهب من الحديث الشريف، عبدالعظيم بن عبد القوى منذرى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۸ق.
- التمهيد، يوسف بن عبدالله بن عبدالبر، مغرب: وزارة عموم الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۳۸۷ق.
- تهذيب التهذيب، احمد بن على ابن حجر عسقلانى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۰۴ق.
- تهذيب الكمال فى اسماء الرجال، يوسف مزى، بيروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۶ق.
- الثقات، محمد بن حبان بن احمد بن حبان، حيدرآباد الدكن: مؤسسة الكتب الثقافية، ۱۳۹۲ق.
- جامع البيان عن تأويل آى القرآن (تفسير الطبرى)، محمد بن جرير طبرى، بيروت: دارالفكر، ۱۴۱۵ق.
- ذكر اخبار اصبهان، احمد بن عبدالله بن نعيم حافظ اصفهانى، ليدن المحروسه: چاپخانه بريل، ۱۹۳۴م.
- ذكرى الشيعة فى احكام الشريعة، محمد بن جمال الدين مكى عاملى شهيد اول، قم: مؤسسة آل بيت عليه السلام لاهياء التراث، ۱۴۱۹ق.

- رسائل اخوان الصفاء و خلان الوفاء، اخوان الصفا. بيروت: دارالصادر.
- روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه، محمد تقى مجلسى، تهران: بنياد فرهنگ اسلامى كوشانپور، بى تا.
- رياض المسائل، سيد على طباطبايى، قم: مؤسسة النشر الاسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٤١٤ق.
- سبل الهدى و الرشاد، محمد بن يوسف صالحى شامى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٤ق.
- سنن ابى داود، ابى داود سليمان بن اشعث سجستانى، بيروت: دارالفكر، ١٤١٠ق.
- سنن الترمذى، محمد بن عيسى ترمذى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠٣ق.
- سنن الدارمى، عبدالله بن الرحمن دارمى، دمشق: مطبعة الاعتدال، ١٣٤٩ق.
- السنن الكبرى، احمد بن حسين بيهقى، بيروت: دارالفكر، بى تا.
- السنن، احمد بن شعيب النسائى، بيروت: دارالفكر، ١٣٨٤ق.
- سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد بن عثمان ذهبى، بيروت: مؤسسة الرسالة، ١٤١٣ق.
- شرح صحيح مسلم، ابوزكريا محى الدين بن شرف نووى دمشقى، بيروت: دارالكتاب العربى، ١٤٠٧ق.
- شعب الايمان، احمد بن حسين بيهقى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٠ق.
- صحيح ابن خزيمة، محمد بن اسحاق بن خزيمة، بيروت: المكتب الاسلامى، ١٤١٢ق.
- الصحيح البخارى، محمد بن اسماعيل بخارى، بيروت: دارالفكر، ١٤٠١ق.
- صحيح مسلم، ابوالحسين مسلم بن حجاج بن مسلم، بيروت: دارالفكر، بى تا.
- طبقات الحنابلة، محمّد ابن ابى يعلى، بيروت: دارالمعرفة، بى تا.
- الطبقات الكبرى، محمّد ابن سعد، بيروت: دارالصادر، بى تا.
- عمدة القارى، بدرالدين محمود عينى، بيروت: داراحياء التراث العربى، بى تا.
- عون المعبود شرح سنن ابى داود، محمد شمس الحق عظيم آبادى، بيروت: دارالكتب العلميّة، ١٤١٥ق.
- فتح البارى، احمد بن على ابن حجر عسقلانى، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر، بى تا.
- فيض القدير شرح الجامع الصغير من احاديث البشير و النذير، محمد عبد الرؤوف مناوى، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤١٥ق.

- قوت القلوب فی معاملة المحبوب، محمد بن علی ابوطالب مکی، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۱۷ق.
- کاشف الغطاء، ایکناس گلدزیهرو دیگران. به کوشش و ویرایش: سید علی آقایی، تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۹۴ش.
- الکامل فی ضعفاء الرجال، عبدالله بن عدی جرجانی، بیروت: دارالفکر، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق.
- کتاب الأم، محمد بن ادريس شافعی، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۳ق.
- کشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء، جعفر کاشف الغطاء، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ش.
- کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، علاء الدین بن حسام الدین متقی هندی، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۹ق.
- مجمع البحرين، فخرالدین طریحی، تهران: نشر مرتضوی، ۱۳۶۲ش.
- مجمع الزوائد و منبع الفوائد، علی بن ابی بکر هثیمی، بیروت: دارالکتب العلمية، ۱۴۰۸ق.
- المحلی، علی بن احمد ابن حزم، بیروت: دارالفکر، بی تا.
- مدارک العروة، علی پناه اشتهاردی، قم: دارالاسوة لطباعة و النشر، ۱۴۱۷ق.
- المستدرک علی الصحیحین، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- مسند ابی داود، ابوسلیمان بن داود طیالسی، بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
- مسند ابی یعلی، احمد بن علی ابی یعلی موصلی، بی جا: دارالمأمون للتراث، ۱۴۱۲ق.
- مسند الشهاب، محمد ابن سلامة قضاعی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۵ق.
- المسند، احمد بن محمد بن حنبل، بیروت: دارالصادر، بی تا.
- مسند، محمد بن ادريس شافعی، بیروت: دارالکتب العلمية، بی تا.
- المصنّف، ابی بکر عبدالرزاق صنعانی، بی جا، بی تا.
- المصنّف، عبدالله بن محمد ابن ابی شیبة، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۹ق.
- معرفة السنن و الآثار، احمد بن حسین بیهقی، بیروت: دارالکتب العلمية، بی تا.
- معرفة علوم الحديث، ابو عبدالله محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، بیروت: دارالآفاق الحديث، ۱۴۰۰ق.

منتهى الطلب، حسن بن يوسف بن مطهر حلّي، مشهد: مجمع البحوث الاسلامية، ١٤٢٠ق.
الموضوعات، ابوالفرج عبد الرحمن بن علي ابن جوزي، مدينة منورة: المكتبة السلفية،
١٩٦٦م.

الموطأ، عبد الرحمن بن قاسم مالك بن أنس، بيروت: دار احياء التراث العربي، ١٤٠٢ق.
النجعة البيضاء في شرح اللمعة، محمد تقى تستري، تهران: مكتبة الصدوق، ١٣٦٥ش.
نيل الأوطار من الاحاديث سيد الأخبار، محمد بن علي شوكانى، بيروت: دار الجبل، ١٩٧٣م.